

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۱ اگست ۲۰۲۳



فاشیسم تمام عیار طالبانی، تحفه اهدائی امپریالیسم و ارتجاع به مردم افغانستان (۶)

پیوسته به گذشته:

۴- طالبان به حیث یک گروه خودفروخته دارای مواضع طبقاتی ارتجاعی فنودال - کمپرادوری، از نگاه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک با هزار رشته با امپریالیسم، با سرمایه مالی، با نظام فکری، و نهاد های ناظر بر حرکت این سرمایه وصل اند و از روز نخست معاهده ننگین دوحه تا امروز برای پذیرش علنی طوق بردگی امریکا و برگشت به قدرت، ناگزیر بوده اند با تغذیه پیدا و پنهان از شرائین مالی امپریالیستی - ارتجاعی، از قوانین نئولیبرالی ناظر بر گردش بدون مانع این سرمایه و ارزش های ایدئولوژیک آن در برابر ارزش ها و نهاد های ملی و مترقی پیروی کنند و در حفظ برخی نهاد های ساخت اشغالگران در دوران اشغال در عرصه های مخابرات و دو گول رسانه ئی (تلویزیون های طلوع و آریانا) در کشور (به مثابه دستاورد های نئولیبرالی) بکوشند. با این وابستگی و سرسپردگی، گروه و اداره ضد ملی طالبان هر دو نهادی اند دزد و غارتگر که علیه منافع علیای ملی و منافع تاریخی زحمتکشان کشور با دزدان و تاراجگران بیرونی شریک و همکار اند.

۵- با این تبیین از ماهیت طالبان، این گروه در عین چپاول و حراج داشته های مردم افغانستان به دزدان بیرونی، گهگاهی منافقانه از "توسعه اقتصادی" در کشور قرار گرفته در معرض غارت اقتصادی دم می زند.

"توسعه اقتصادی" یا "انکشاف اقتصادی" در یک کشور تحت سلطه و عقب‌نگه داشته شده که با مؤلفه‌های استقلال، حاکمیت ملی، دموکراسی راستین، عدالت و ترقی اجتماعی رابطه تنگاتنگ دارد، واژه‌های زیبا، دلفریب و رویای تحقق نیافته مردم بیکار و گرسنه آن است. به رغم ظاهر زیبا و خواستنی بودن این آرمان، در عصر حاضر چشم‌انداز تحقق "توسعه اقتصادی" در شرایط افغانستان و کشور‌های مشابه به آن در محور سه نیروی طبقاتی قابل ترسیم و مشاهده است که در ادامه خواهد آمد:

الف - در محور بورژوازی ملی (صنعتی، صادراتی و مالی):

جریان انباشت سرمایه در افغانستان و به دوران انداختن آن سابقه طولانی و دردناکی دارد که توأم با فراز و فرودها، پیشروی و عقب‌گردها و انحرافات کمپرادوری و بوروکراتیک بوده است که نیازمند مطالعه مفصل است و از موضوع این نگارش خارج. با این ضربات مکرر بر پیکر بورژوازی ملی از جانب فئودالیسم، سرمایه دلالی و بوروکراتیک و سرمایه مالی سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم، با احیای مجدد نیروها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فئودالی به حمایت امپریالیسم در غیاب فرهنگ لیبرال غربی و منادیان لیبرالیسم در صحنه همراه با مطرح شدن منطقی و عملی حاکمیت مستقل زحمتکشان، از منظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به حاشیه رانده شده است. با این عدم توانمندی تاریخی، بورژوازی ملی و نمایندگان ناموجود لیبرال سیاسی شان به حیث نیروی باورمند به مالکیت خصوصی طبقاتی و به تبع آن به استثمار زحمتکشان و نابرابری اجتماعی، مثل بورژوازی لیبرال قرن هجدهم قادر نیست تا کلیه نیروهای طبقاتی ضد فئودالی و ضد استعماری را حول شعار "آزادی، برابری و برادری" رهبری و بسیج کرده و در شرایط گردش و سیطره جهانی سرمایه مالی امپریالیستی دولت و اقتصاد مستقل بورژوائی را پی ریزی کند و در قالب آن به ارائه و طرح مؤدل "توسعه اقتصادی" ای که ملهم و متأثر از استقلال، دموکراسی، حاکمیت ملی و حاکمیت طبقاتی مستقل بورژوازی در تمامیت ارضی افغانستان واحد باشد، پردازد. این بدیل و مؤدل "توسعه اقتصادی" در شرایط افغانستان امروزی با موانعی جدی از درون و بیرون برمی‌خورد که شرح آن در چارچوبه این گفتار نمی‌گنجد.

ب - محور "توسعه اقتصادی" دلالی طالبان:

در شرایط جاری کشور ما، منطقه و جهان موانع عدیده درونی و بیرونی فراراه "توسعه اقتصادی" از طریق انباشت و دوران سرمایه با چشم‌انداز خوداتکائی با محوریت و مدیریت طالبان و یا هر نیرویی با خصلت کمپرادوری را ناممکن می‌سازد. برخی از عمده‌ترین این موانع متعدد را در زیر فهرست می‌کنیم:

۱- گروه و اداره مزدور و دست‌نشانده استعمار امپریالیستی طالبان با ارزش‌های استقلال، حاکمیت ملی، دموکراسی راستین، عدالت و ترقی اجتماعی تضاد و تخاصم خونین دارد؛

۱- گروه و اداره طالبان به حیث دسته‌ای دلال و کارگزار، نهادی تاراجگر و شریک بومی یغماگران بیرونی است. با چنین سرشت و شراکتی با دزدان بیرونی در مثال‌های شرکت‌های دزد چینی، ایرانی، پاکستانی، ترکی، انگلیسی و افغانی فوق‌الذکر مورد قرارداد با طالبان و با سائر شرکت‌های احتمالی، سرمایه حاصله از ناحیه استخراج معادن و استثمار برده‌وار کارگران، به جای انباشت و به دوران انداخته شدن در گستره افغانستان به مقصد خودکفائی و اشتغال زائی مجدد و مکرر، راه فرار به بانک‌های خارجی را در پیش می‌گیرد؛

۳- دست و پای گروه و اداره طالبان با رشته‌های سرمایه مالی امپریالیستی و زنجیرهای امنیتی آن به گونه‌ای بسته است که امپریالیسم مجال "توسعه اقتصادی" از طریق انباشت و دوران سرمایه با چشم‌انداز خوداتکائی و کوتاه ساختن دست‌تپاول سرمایه غارتگر مالی را از وی سلب می‌کند؛

۴- نئولیبرالیسم متضمن خصوص سازی و "تجارت آزاد" تاراجگر و نهاد های مالی و اجرائی و قوانین حقوقی - مالی موضوعه توسط این نهاد ها برای مدیریت گردش و سیطره جهانی سرمایه مجال چنین رویکردی گردنفرزانه را به طالبان فاقد پشتوانه محکم مردمی یا به هر نیروی مشابه آن نمی دهد؛

۵- گروه و اداره ستمگر و استثمارگر طالبان با حذف زنان از جمع نفوس کشور، با دشمنی با دانشمندان، دانشگاهیان و فرهنگیان و زمینه سازی برای فرار مغزها و جوانان ماهر و مستعد سازندگی از کشور؛ نه برنامه، نه اراده و نه توان مدیریتی "توسعه اقتصادی" در افغانستان را دارد؛

۶- کار طاقت فرسا و پرخطر کارگران کشور ما با نرخ استثمار بالا در تحت سلطه گروه استثمارگر طالبان و زالو های طرف قرارداد آن در فقدان بیمه و وسائل و لوازم ایمنی کار و قوانین دفاع از کارگر، اشتیاق آنان برای عرق ریزی در راستای "توسعه اقتصادی" را از آنها می گیرد؛

۷- لشکر غیرمولد اداری و به ویژه دستگاه امنیتی - نظامی (ماشین سرکوب و کشتار) اجرت گیر و پرخرج طالبان چون آسیا سنگی بر گردن آن سنگینی می کند و تا حال همه منابع کمکی معلوم و مشکوک را بلعیده و در حال و آینده مانع بزرگ "توسعه اقتصادی" ادعائی طالبان منافق است و خواهد بود؛

۸- فساد ذاتی و اکتسابی رو به رشد در میان رهبران، فرماندهان و صفوف طالبان به عنوان یک نیروی دزد، چپاولگر، مختلس، رشوه ستان، رهگیر، منابع بزرگ انکشافی را به هدر می دهد؛

۹- شوونیسم، تبعیض، تعصب، تمامیتخواهی، انحصارگری و دشمنی طالبان با عدالت اجتماعی - اقتصادی در رنگین کمان افغانستان مانع طرح و تطبیق توسعه اقتصادی متوازن در کشور است؛

۱۰- رقابت امریالیستی - ارتجاعی بر سر موقعیت و غنایم افغانستان و جایگاه افغانستان در دایره منافع و ستراتیژی هر یکی از دول طماع و توسعه طلب دور و نزدیک در فقدان استقلال و حاکمیت ملی و حاکمیت طبقاتی خلق افغانستان با حاکمان پوشالی طالبان، مجال "توسعه اقتصادی" بلامانع را از نزد این گروه می رباید.

۱۱- امتداد همزمان منافع متضاد یغماگران متعدد بیرونی در وجود دار و دسته های اجیر و نیابتی درونی (ستون پنجم) در غیاب اقتدار ملی با پشتوانه مردمی در کشور، احتمال تشدید تحریکات نظامی تخریبی و بروز بحران امنیت و حدت آن در آینده نزدیک توأم با ناتوانی گروه طالبان از تأمین امنیت سرتاسری در متن فقر فراگیر درونی و تهاجمات نو استعماری بیرونی، در افغانستان و سرایت آن به فرامرز را قوت می بخشد؛

۱۲- کارکرد این عوامل یازده گانه فوق، شکنند بودن حاکمیت پوشالی طالبان و احتمال تعدیل یا تعویض آن را به امکان واقعی مبدل می سازد. و موانع دیگر...

در نتیجه این دوازده عامل بازدارنده و تأثیرگذار بر طرح "توسعه اقتصادی" طالبان، از هم اکنون می توان سیمای محزون کشور و منظره "توسعه اقتصادی" طالبان محور را مشاهده کرد:

یکم: علاوه از ظرفیت بالقوه انسانی غیرماهر در ادامه و اوج فرار مغزها از کشور، منابع طبیعی (نفت و گاز و زغال سنگ، لیتیوم، آهن، مس، سرب، طلا، سنگ های قیمتی و غیره) در صورت استخراج و استفاده بهینه از آن، یگانه وسیله و اعتبار "توسعه اقتصادی" کشور ما محسوب می شود. قرار گرفتن فعالیت اقتصادی افغانستان (تولیدی - تجارتي و بانکی) در موقعیت نو- مستعمراتی در حاشیه دایره اقتصادی امپریالیستی - ارتجاعی و در نقش تأمین کننده مواد خام و بازار مصرف، منجر به فرار سرمایه به جای انباشت در محدوده اقتصاد ملی، غارت منابع، اقتصاد بیمار غارت شده، تداوم ستم و استثمار، و تشدید فقر و معضلات اجتماعی خواهد شد.

دوم: سپردن غیرقانونی ثروت مردم افغانستان به شرکت های دزد، غارتگر و حریص چینی، ایرانی، پاکستانی، ترکی، انگلیسی، افغانی و... که برخی از آنها از جمله شرکت های نفتی و غیرنفتی چینی سابقه آلوده ساختن محیط زیست را در چین و افریقا در کارنامه دارند، در غیاب مسؤلیت پذیری و تضمین های قوی حقوقی؛ با آلودن آب، خاک و هوای کشور ما با آلاینده های مشتقات نفت، سرب، مس و غیره آلاینده ها، در آینده منجر به بحران و فاجعه محیط زیستی و ایکولوژیک خواهد شد.

سوم: باز گذاشتن دست شرکت های استثمارگر و ستمگر چینی، ایرانی، پاکستانی، ترکی، امریکائی، انگلیسی، اروپائی، افغانی و... در استخدام کارگران و کارمندان بومی در این عرصه ها در فقدان تضمین های رسمی حقوقی مبنی بر ایمنی کار، اتحادیه های کارگری و قوانین دفاع از کارگران، در شرایط کار بردگی با مزد ناچیز، نرخ استثمار بالا و کار پرخطر طاقت فرسا، علاوه از چاپیدن دسترنج کارگران، با مصاب ساختن کارگران به امراض مختلف، سلامت جسمی و روانی و در نتیجه طول عمر آن کارگران را به سختی متأثر خواهد ساخت.

ج - محور "توسعه اقتصادی" در امتداد حاکمیت ملی و اجتماعی خلق افغانستان:

بدون پرداختن به تبیین اجزای این بحث مفصل در این مختصر، لازم به گفتن است که آن مؤدل "توسعه اقتصادی" ای که درآمد حاصله از استخراج معادن در خدمت برپائی و شکوفائی اقتصاد مستقل ملی، اشتغال وسیع با شرایط مناسب انسانی و بهزیستی مردم افغانستان قرار گیرد و از موضع تخطی ناپذیر منافع علیای ملی وارد مراد با جهان و جهانیان شود، فقط با استقرار حاکمیت ملی و اجتماعی خلق افغانستان و سپردن صلاحیت ثروت ملی به دست مالکان اصلی و قانونی آن، مسیر است. در این صورت است که این وثیقه اقتصادی (معادن) توأم با استفاده حداکثری از ظرفیت مکنون انسانی در راه سازندگی و برانگیختن شور و شوق زنان و مردان کشور و تربیت کادر ماهر علمی، فنی و اداری، منجر به انباشت سرمایه حاصله به جای فرار به بانک های خارجی، شده و مجدداً طبق برنامه های انکشافی مدیریت شده به دوران خواهد افتاد.

پیش شرط های چنین مؤدل "توسعه اقتصادی"، استقلال ملی، حاکمیت ملی، دموکراسی راستین برای توده ها، عدالت و ترقی اجتماعی است. به شهادت تجارب مثبت و منفی مبارزات مردم ما در مقاطع مختلف علیه ارتجاع فئودالی و استعمار، بدون رهائی و حاکمیت ملی و اجتماعی خلق، آرمان ترقی اقتصادی - اجتماعی قاطبه ملت دست نیافتنی است. باز به گواهی جانبازی ها و مبارزات ضد استبدادی، ضد ارتجاعی و ضد استعماری مردم شجاع و آزادیخواه ما به بهای خون هزاران فرزند جانباز خلق از پارین زمانه ها تا امروز، رهائی و استقرار حاکمیت ملی و اجتماعی خلق (قاطبه ملت) بدون مبارزه متشکل جمعی و پرداختن بهای آن از خون و عرق اینارگران عرصه رزم و پیکار در صف خلق، تحقق نخواهد یافت.

در اوضاع کنونی، به اثر کلیه ضربات خونین و کاری وارده بر پیکر احاد جنبش انقلابی کشور از جانب سوسیال امپریالیسم/امپریالیسم اشغالگر و مزدوران و جلادان "خلقی - پرچمی" و "اخوانی" (شکست های نظامی)، نقش منفی خیانت ها و انحرافات نیرو های انقلابی و فرو ریختن سنگر های مستحکم انقلابی در منطقه و سایر عوامل جهانی توأم با انحرافات تسلیم طلبانه ایدئولوژیک - سیاسی گروه ها و حلقات منحرف معین از جاده انقلاب و آزادی و گذشت آنان به نفع استعمار - ارتجاع (به ویژه نقش مخرب و خائنانه سه طیف تسلیم در دو دهه اخیر)، بقایای جنبش ضربت خورده انقلابی کشور در حالت زار تشنت، مهجوریت و بلاتکلیفی درگیر نزاع های درونی بوده و از اندیشیدن به "چه باید کرد؟" و یا "چه می توان کرد؟" بازمانده اند.

پس اگر تعیین مقدرات ملی و اجتماعی خلق ستمکش ما به دست توانا و متحد خود شان و از طریق مبارزه متشکل مردمی در همه اشکال آن میسر است، و "توسعه اقتصادی" واقعی که شرایط آن در فوق بیان شد، از همین رهگذر دستیاب می شود؛ به رغم این همه ضعف، فتور و تشتت آحاد جنبش خونین تن انقلابی و گردان های آن و تجرید شان از توده ها، به جز از راهی که کلیه پیشگامان، رهبران و انقلابیونی همچون عبدالرحمن محمودی ها، مجید ها، رهبر ها، اکرم یاری ها و صد ها سرو تناور این کاجستان انبوه، ولی طوفان زده رفته اند، در پیش پای مبارزانی که به پایان راه و رسالت انقلابی نرسیده اند و خلق ستمکش کشور، راه دیگری گشوده نیست.

پس، غلبه بر افتراق و انحراف و حالت زار موجود با چنگ زدن به اصول و موازین مطروحه، مینا قرار دادن آن و تطبیق خلاقانه آن در انطباق با شرایط امروزی و خط کشی با کلیه اشکال انحرافات در راه بازسازی و خود سازی نهاد های ضربت خورده و تکامل و توحید نیروی پیشاهنگ با اسلوب "وحدت - مبارزه - وحدت"، رفع حالت تجرید از توده ها و تلاش در راه آگاه سازی و بسیج آنها، وظایف تخطی ناپذیر امروز و فردای مبارزان راستین، نیالوده، جدی و استوار کشور است.

یا مرگ یا آزادی!

هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۴ اسد ۱۴۰۲ شمسی / ۱۵ اگست میلادی ۲۰۲۳